



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارشد  
علیه  
اصحاب  
السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# اڙپاوساڻيا بيڙيم بگو

ترجمہ حضرت مولانا محمد



سید جمال الدین حسین بیگ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# از پارسایان برایم بگو (شرح خطبه همام)

نویسنده:

جمال الدین دین پرور

ناشر چاپی:

بنیاد نهج البلاغه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

فهرست	۵
از پارسایان برایم بگو (شرح خطبه همام)	۶
مشخصات کتاب	۶
خطبه متقین (همام)	۶
مقدمه	۷
همام کیست؟	۹
شرح خطبه متقین	۱۰
جهان بینی الهی	۱۱
چشم پاک و گوش بر فرمان	۱۳
خودساختگان عاشق	۱۳
رابطه متقابل معرفت و اخلاص	۱۳
از دام اسارت دنیا رستند	۱۴
قرآن را با همه وجود تلاوت می کنند	۱۴
نماز پرواپیشگان، راز و نیاز خاکسارانه	۱۵
غفلت و غرور از ساحت آنان بدور است	۱۵
نشانه های پرواپیشگان (متقین)	۱۷
توضیحات	۲۵
فرهنگ رزق و روزی	۲۵
تفاوت در روزی	۲۷
ابعاد تقوی در نهج البلاغه	۲۹
بعد اجتماعی و سیاسی تقوا	۳۶
درباره مرکز	۴۱

مشخصات کتاب

عنوان قرارداد: نهج البلاغه. خطبه همام. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: از پارسایان برایم بگو: ترجمه خطبه متقین (همام) / ترجمه و توضیح از جمال الدین دین پرور، - ۱۳۱۷

مشخصات نشر: تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۴۶ ص.

فروست: نهج البلاغه برای جوانان؛ ۱.

شابک: ۶۰۰۰ ریال: ۰۵-۶۳۴۸-۹۶۴-X؛ ۹۰۰۰ ریال: چاپ پنجم: ۰-۱۱-۶۳۴۸-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۸۸.

عنوان دیگر: خطبه متقین (همام).

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- خطبه ها

شناسه افزوده: دین پرور، جمال الدین، ۱۳۱۷ -، مترجم

شناسه افزوده: بنیاد نهج البلاغه

رده بندی کنگره: BP۳۸/۰۴۲ ب/ ۹۲۳۲ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۴۰۴۴۳

خطبه متقین (همام)

(صفحه ۴)

صفحه ۴.

مقدمه

همام کیست؟

شرح خطبه متقین

جهان بینی الهی

چشم پاک و گوش بر فرمان

خودساختگان عاشق

رابطه متقابل معرفت و اخلاص

از دام اسارت دنیا رستند

قرآن را با همه وجود تلاوت می کنند

نماز پروا پیشگان، راز و نیاز خاکسارانه

غفلت و غرور از ساحت آنان بدور است

نشانه های پروا پیشگان (مستقیم)

توضیحات

فرهنگ رزق و روزی

تفاوت در روزی

---

## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه ی «همام» از خطبه های معروف نهج البلاغه است که در آن سیمای پرهیزگاران و ترسیم جمال متقین، از زبان امام امیرالمومنین علی علیه السلام بیان شده است.

«همام» از یاران زاهد و اهل سیر و سلوک امام بوده است، کلمه ی «همام» از ریشه ی لغوی «همم» است، بمعنای کسی که تصمیم هر کاری بگیرد آن را به انجام رساند و تا آن را تمام و کمال نکند رها نکند.

قبل از مطالعه ی این خطبه، لازم است به مطالب ذیل توجه شود:

۱- مساله تقوی از مهمترین و زیربنایی ترین مسایل زندگی انسانی است. یعنی تحقق زندگی انسانی بستگی به رعایت این اصول و قواعد دارد، البته باید اعتراف کرد که انسانیت، درجات و مراتب مختلفی دارد و بیانات امام به شاگردشان در سطح والا و عالی است و برای کسانی که درصدد وصول به آن مقصد عالی و حرکت در مسیر کمال اند، بهترین راهنماست.

۲- رسیدن به اوج کمال و تقوی، تدریجی است و مرحله به مرحله باید آن را انجام داد، یکشبه نمی توان به آن قله ی رفیع دست یافت، بنابراین عزیزانی که علاقمند به این مسیر معنوی هستند و دل در هوای رسیدن به مقامات متقین و اولیاء الهی را دارند، لازم است زندگی خود را بر اساس یک برنامه ریزی دقیق و صحیح تنظیم کرده و در همه ی موارد، راه صحیح را پیدا کرده



انشاءالله پس از پیمودن راه و انجام خودسازی، مطابق با دستورات ائمه اطهار (ع)، به سرمنزله مقصود نائل شوند.

۳- نقطه ی آغاز و مراحل سیر معنوی را باید از مرییان وارسته، که خود این راه را طی کرده اند، فراگرفت و خودکامه و بی راهبر نمی توان در این وادی وارد شد و یا از هر کس دستوری گرفت.

۴- در امور تربیتی و خودسازی باید مداومت و استمرار داشت تا روح آدمی به آن جایگاه متعالی صعود کند، با شتاب و عجله به هدف نمی توان رسید.

۵- سعی شود که عبادتها با حال، توجه و با احساس شیرینی و لذت انجام شود و از تحمیل و فشار در عبادت خودداری گردد. به عبارت دیگر باید عبادات مستحب کم کم و به تدریج صورت گیرد تا عشق به نیایش شیرین تر از خواب، در ذائقه جلوه کند.

۶- باید همواره توجه کرد که خودسازی باعث کناره گیری از مردم و انزوا نشود، نعمت های دنیا، مخلوق خدا و برای بندگان خداست.

۷- سیر و سلوک نباید انسان را از انجام مسئولیتها و تلاشهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باز دارد.

۸- بعضی از بیانات امیرمؤمنان علی علیه السلام، از نظر سیر و حرکت، مربوط به مقامت خیلی عالی است که رسیدن بدان مستلزم سیر تدریجی و وصول به مدارج قبلی است. فرد خودساخته که در راه است باید این سیر تدریجی را رعایت کرده و بدون مقدمه وارد مراحل عالی تر نگردد.

---

## همام کیست؟

«همام»، پسر «شریح» و برادرزاده ی «ربیع بن خثیم» است. ربیع یکی از هشت زاهد و پارسای معروف تاریخ و زمان خود است. علامه شهید آیه الله مطهری،

و دوستان امیرمومنان علی علیه السلام شمرده که دلی سرشار و روحی از آتش معنی شعله ور داشت.

از کلمات علامه «کراجکی» در کتاب «کنزالفوائد» نیز استفاده می شود که «همام» در شمار یاران آن حضرت و در جستجوی دسترسی به مراتب عالی ایمان و تقوی بوده است که از آن چنین یاد کرده است:

«و کان عابدا مجتهدا» یعنی او نیایش کننده و پرستشگر پرتلاش بود. بنابراین او در راه رسیدن به مقامات معنوی و تهذیب نفس و خودسازی سرمایه گذاری کرده و آن را بعنوان هدف اصلی زندگی قرار داده بود. همچنین اصرار و پافشاری او در شناخت و دریافت راه های خودسازی و کمال انسانی از حضرت علی علیه السلام، قابل ملاحظه و توجه است:

«اسالك بالذی اکرمکم اهل البیت و خصکم و حباکم و فضلکم تفضیلا الا انباتنا بصفه شیعتکم»

ای امیرمومنان! از تو در خواست می کنم بحق خداوندی که شما خاندان پیامبر را گرامی داشته و برگزیده و برتری داده است، ما را به صفات شیعیانتان خبر دهید.

بر اساس گزارش مورخین، امام علیه السلام دست «همام» را گرفت و به مسجد برد و پس از ادای دو رکعت نماز، سخن گفتن را آغاز کرد و همه اینها نشانه ی مقام این یار صدیق امام برای بیان معارف و نکات برجسته ی خودسازی است که باید برای همه ی انسانها در طول تاریخ به یادگار بماند.

امید است که مطالعه ی دقیق این خطبه، آن روح متعالی را در ما جلوه گر ساخته تا بتوانیم @@@ بارقه یی از آن مشعل فروزان در مشکوه جانمان بیفروزیم.

(صفحه ۷)

صفحه ۶، ۷.

---

### شرح خطبه متقین

چنین روایت است که یکی از یاران و اصحاب امیرمومنان علی علیه السلام که «همام» نامیده می شد و مردی پارسا و عبادت پیشه بود به

آنحضرت گفت: ای پیشوای مومنان، سیمای پروايشگان و پارسايان را براي ترسيم فرما، آنچنانكه گويا آنان را مي بينم.

امام عليه السلام لختي درنگ كرد و از پاسخ سريع خودداري فرمود و آنگاه گفت: اي همام! اطاعت پروردگار كن و از او پروا دار و به نيكي و نيكوكاري روي آر كه خدا با تقوي پيشگان و نيكوكاران است.

پاسخ کوتاه امام او را قانع نساخت و عطش درونيش همچنان باقي ماند و بدان بسنده نکرد، بطوريكه اصرار بر شنيدن پاسخ کامل، در چهره ي او خوانده می شد.

امام كه اين آمادگي و عطش را در اوديد مهر سكوت شكست و به تفصيل پاسخ خود را با حمد و ستايش الهی و درود بر پيامبر و آل او آغاز كرد:

جهان بينی الهی

چشم پاک و گوش بر فرمان

خودساختگان عاشق

رابطه متقابل معرفت و اخلاص

از دام اسارت دنیا رستند

قرآن را با همه وجود تلاوت می کنند

نماز پروايشگان، راز و نیاز خاکسارانه

غفلت و غرور از ساحت آنان بدور است

نشانه های پروايشگان (متقين)

توضیحات

فرهنگ رزق و روزی

تفاوت در روزی

اما بعد، فان الله سبحانه و تعالى خلق الخلق - حين خلقهم - غنيا عن طاعتهم، آمنا من معصيتهم، لانه لا تضره معصيه من عصاه، و لا تنفعه طاعه من اطاعه، فقسم بينهم معاشهم، و وضعهم من الدنيا مواضعهم، فالمتقون فيها هم اهل الفضائل، منطبقهم الصواب، و ملبسهم الاقتصاد، و مشيهم التواضع.

(صفحه ۸)

اما بعد، خداوند سبحان، آنگاه که آفریدگان را می آفرید از طاعتشان بی نیاز بود و از نافرمانیشان در امان، زیرا نافرمانی بندگان، ناچیزتر از آنست که بر آستان باعظمت ربوبی اثر بگذارد و یا زیانی وارد کند، و نیز از اطاعت آنان نفعی عاید او نگردد.

خداوند روزی را میان آنان تقسیم

کرد و هر يك را از نظر مال و مقام در جایی كه هستند، قرار داد. پروايشگان در دنيا نمود كامل فضيلت و برتری اند، سخن گفتنشان بهنجار و درست، و لباسشان متعادل و مناسب، نه برده ی لباس اند و نه بی رغبت و بی اعتنای بدان، و روش آنان فروتنی است.

صفحه ۸.

---

## چشم پاک و گوش بر فرمان

غضوا ابصارهم عما حرم الله عليهم و وقفوا اسماعهم على العلم النافع لهم.

دیدگانشان را از حرام می پوشانند، و گوشهایشان را بر دانش سودبخش می گشایند و به گوش جان می نیوشند.

---

## خودساختگان عاشق

نزلت انفسهم منهم في البلاء كالتى نزلت في الرخاء، و لو لا الاجل الذى كتب الله لهم لم تستقر ارواحهم في اجسادهم طرفة عين شوقا الى الثواب و خوفا من العقاب.

در هنگامه ی مصیبت و بلا، چونان زمان نعمت و رفاه، جانشان لبریز از ایمان و آرامش است و اگر نبود اجل مقرر الهی بر آنان، حتی یک لحظه هم جانشان در جسمشان تاب نمی آورد و به عالم قدسی پرواز می کرد، از بس كه مشتاق ثواب الهی و ترسان از عذاب خداوندند.

(صفحه ۹)

صفحه ۹.

---

## رابطه متقابل معرفت و اخلاص

عظم الخالق في انفسهم فصغر ما دونه في اعينهم، فهم و الجنة كمن قد رآها فهم فيها منعمون، و هم و النار كمن قد رآها فهم فيها معذبون، قلوبهم محزونه و شرورهم مامونه و اجسادهم نحيفة و حاجاتهم خفيفة و انفسهم عفيفة.

عظمت آفریدگار در عمق جانسان شكوفا شده، پس غیر او در دیده شان صغیر و حقیر آید، آنان بر قله بلند معرفت و حضور نشسته اند، گویا بهشت را می بینند و از آن برخوردارند و نیز شاهد دوزخ و دوزخیان در حال عذابند،

دلهاشان غمگانه، زندگیشان مهربانانه، بدنهایشان تکیده و نیازشان خفیف و ساده و جانشان پارسا،

---

## از دام اسارت دنیا رستند

صبروا ایاما قصیره اعقبتهم راحه طویله، تجاره یسرها لهم ربهم، ارادتهم الدنيا فلم یزیدوها، و اسرتهم ففدوا انفسهم منها.

چند روزی بردباری کنند و در بروی حرام بندند، ولی راحت و لذت طولانی را به دست آوردند. چه تجارت سودآوری خداوند بر ایشان فراهم آورده است. دنیا به سراغشان رود و با چهره زیبای خود، آنان را به گناه دعوت کند، ولی پارسایان فریب نخورده و به ناز و کرشمه ی آن عجوزه ی هزار داماد، توجه نکنند.

دنیا خواسته تا آنان را اسیر کند ولی تقوی پیشگان خود را از دام و چنگال آن آزاد سازند.

---

## قرآن را با همه وجود تلاوت می کنند

اما اللیل فصافون اقدامهم تالین لاجزاء القرآن، یرتلونها ترتیلا،

(صفحه ۱۰)

یحزنون به انفسهم و یستثیرون به دواء دائهم، فاذا مروا بآیه فیها تشویق رکنوا الیها طمعا، و تطلعت نفوسهم الیها شوقا، و ظنوا انها نصب اعینهم و اذا مروا بآیه فیها تخویف اصغوا الیها مسامع قلوبهم، و ظنوا ان زفر جهنم و شهیقتها فی اصول آذانهم.

شب هنگام به نماز می ایستند، و آیات نورانی قرآن را با همه ی وجود زمزمه می کنند و در هاله یی از حزن مقدس و دنیایی از عرفان و توجه، آن را در کام جانیشان می ریزند، و آنگاه با نیروی برگرفته از آن به درمان دردهایشان می پردازند، آری بزرگترین درد انسان دوری از خدا و اشتغال به غیر اوست.

قرآن را می خوانند و در آیات نورانی آن تفکر و تدبر می کنند و آنگاه که بشارتهای الهی را می شنوند، بدان دل می بندند و شکوفه های شوق بر جانشان می دمد، و چنانند چون کسی که بدان دست یازیده و آن را دریافت کرده است.

ولی وقتی به آیه ی عذاب می رسند چنانند که گویا صدای زبانه ی آتش و

---

## نماز پرواپیشگان، راز و نیاز خاکسارانه

فهم حانون علی اوساطهم، مفترشون لجباهم و اکفهم و رکبهم و اطراف اقدامهم يطلبون الی الله تعالی فی فکاک رقابهم.

و اما النهار فحلما علماء ابرار اتقیاء، قد براهم الخوف بری القداح، ينظر اليهم الناظر فيحسبهم مرضى و ما بالقوم من مرض، و يقول لقد خولطوا و لقد خالطهم امر عظیم لا یرضون من اعمالهم القليل و لا يستکثرون الكثير.

پرواپیشگان با همه ی وجود نماز می گذارند و خضوع و خشوع از رکوعشان هویدا است. پیشانی و دست و پایشان را بر خاک می ساینند، و خاکسارانه به

(صفحه ۱۱)

به نیایش روی می آورند. از خدا چه می خواهند؟ برات آزادی از جهنم را.

و اما در روز پرچمدار حلم و علمند، نیکوکار و پارسا، خوف دوری از خدا آنان را زار و نزار کرده، پرخوری و رفاه طلبی را وانهاده اند و چون عاشقی که یاد معشوق، زندگی آنان شده، در افقی فراتر از خور و خواب و شهوت پرواز می کنند.

بی خبران، وقتی چهره ی استخوانی و بدن نحیف آنان را می بینند می پندارند که بیمارند، در حالی که هیچگونه بیماری ندارند، آری آنان بیمار عشق اند.

دگر بار از سر جهالت می گویند که روانیند. ولی نمی دانند که چه خبر است؟ و پرواپیشگان در چه دنیایی از حقایق سیر می کنند، یافتنی است گفتنی نیست.

افراد باتقوی در گیر امری بزرگ هستند که به کارهای کم خشنود نشوند و همواره در صدد انجام خیرات و خدمات بزرگند ولی کارهای بزرگ و امور عظیم را هم بزرگ و زیاد نبیند و بدان مغرور نشوند.

صفحه ۱۱.

---

## غفلت و غرور از ساحت آنان بدور است

فهم لانفسهم متهمون، و من اعمالهم مشفقون، اذا زكى احد منهم خاف مما يقال له، فيقول: انا اعلم بنفسى من غيرى، و ربى اعلم منى بنفسى، اللهم لا تواخذنى بما



يقولون، و اجعلنی افضل مما یظنون، و اغفرلی ما لا یعلمون.

آنان به نفس خود بد گمانند مبادا وظائف خود را آنسان که بایسته است انجام نداده باشند، و از کردارشان ترسانند، زیرا ممکن است در اثر غفلت و قصور مورد قبول حقتعالی قرار نگرفته باشد، آنگاه که از آنان تعریف و ستایش شود بر خود می ترسند و می گویند من از دیگران نسبت به خودم داناترم و خدا به من از خودم آگاهتر است، خدایا از آنچه درباره من می گویند بازخواست مفرما، و مرا بهتر از آن، که آنان می پندارند قرار ده، و آنچه آنان از گناهانم نمی دانند، بیامرز.

(صفحه ۱۲)

صفحه ۱۲.

---

### نشانه های پروا پیشگان (متقین)

۱- فمن علامه احدثهم: انک تری له قوه فی دین

توانمندی در دین

۲- و حزما فی لین

دوراندیشی با نرمخویی و سازگاری

۳- و ایمانا فی یقین

ایمان و اعتقادی در مرحله ی یقین و منزله از شک و تردید

۴- و حرصا فی علم

حریص در تحصیل دانش

۵- و علما فی حلم

آمیزنده ی دانش و بردباری (که علم و حلم دو بال پروازند)

۶- و قصدا فی غنی

میانه روی در هنگامه ی بی نیازی و ثروت

۷- و خشوعا فی عبادہ

خضوع و خشوع در عبادت

۸- و تجملا فی فاقه

آبرومندی، هنگام تنگدستی

۹- و صبرا فی شدہ

صبر و بردباری در بحران سختی

۱۰- و طلبا فی حلال،

جستجوگر مال حلال

۱۱- و نشاطا فی ہدی

پرتحرک و پرتلاش در راه هدایت مردم

(صفحه ۱۳)

۱۲- و تحرجا عن طمع

دوری از آرز و طمع

۱۳- یعمل الاعمال الصالحه و هو علی وجل

انجام کارهای شایسته بدون آرایش به غرور و خودپسندی، و همواره ترسان از عدم پذیرش عبادات.

۱۴- یمسی و همه الشکر و یصبح و همه الذکر،

روز را با سرمایه یی از شکر به پایان مبرد. و صبح را با یاد

خدا آغاز می کند.

۱۵- بیت حذرا و یصبح فرحا: حذرا لما حذر من الغفله و فرحا بما اصاب من الفضل و الرحمه

و از سوی دیگر، شب را چون غافلان یکدنده نمی خوابد، بلکه گاهی لذت شب زنده داری و ذکر خدا، او را از بستر جدا می کند، و این شب زنده داری نشاط صبحگاهی او را نمی گیرد، ترس و نگرانی او از آنست که در دامچاله ی غفلت سقوط کند، و از آنکه فضل و رحمت الهی شامل حال او گردد، شادان است.

۱۶- ان استضعبت علیه نفسه فیما تکره لم یعطها سولها فیما تحب

اگر چشم پوشی از گناهان بر او سخت و سنگین آید، مقاومت می کند تا به خواسته های نامشروع تن در ندهد و ارزش و شخصیت خود را لکه دار نسازد.

۱۷- قره عینه فیما لا یزول، و زهادته فیما لا یتقی

روشنی چشم او در ماندگاریهاست، یعنی دوراندیشی و جهان بینی وسیع او مانع از فریبایی دنیا، و زیبائیهای آنست و به خاطر دستیابی به لذتهای زودگذر دنیا، زندگی ابدی خود را تباه نسازد.

۱۸- یمزح الحلم بالعلم و القول بالعمل.

بردباری و شکیبایی را با دانش می آمیزد و گفتار را با کردار.

(صفحه ۱۴)

۱۹- تراه قریبا امله

آمال و آرزوی او را کم می بینی، و شخصیت او از فرورفتن در رویای طلایی دور است.

۲۰- قلیلا زلله

لغزش او نیز اندک است.

۲۱- خاشعا قلبه

دل او خاشع است و در ترنم دایم یاد خدا و پیوستن به جهان بی نهایت.

۲۲- قانعه نفسه

انسانی قانع و چشم و دل سیر است.

۲۳- منزورا اكله

از پرخوری می پرهیزد و اسیر شکم و رفاه طلبی نیست.

۲۴- سهلا امره

امورات او سهل و ساده می گذرد.

۲۵- حریرا دینه

دین او محکم و پابرجاست و در برابر سیل خروشان توطئه های شیطان و هوای نفس، چون کوه

استوار است.

۲۶- میته شهوته

بر شهوات خود مسلط است و بر آن اسب سرکش، لگام تقوی زده است.

۲۷- مکظوما غیظه

خشم خود را فرو می خورد و بر نیروی غضب خویش مسلط است و می داند کجا از آن استفاده کند.

۲۸- الخیر منه مامول

از او امید خیر دارند و از شرش در امانند.

(صفحه ۱۵)

۲۹- ان کان فی الغافلین کتب فی الذاکرین و ان کان فی الذاکرین لم یکتب من الغافلین

اگر در جمع غافلان قرار گیرد از یادآوران خواهد بود و جو را به نفع حق و عدل دگرگون سازد و اگر در جمع یادآوران باشد راه غفلت نپوید و از موقعیت مناسبت سوءاستفاده نکند.

۳۰- یعفو عمن ظلمه و يعطی من حرمه

از کسانی که بدو ستم کردند درمی گذرد و بر آنکه او را محرم کرده است، دست کرم می گشاید.

۳۱- و یصل من قطعه

با آن کس که خویشاوندی او را بریده است، صله ی رحم می کند.

۳۲- بعیدا فحشه لینا قوله

ساحت قدس او را از فحش و بدزبانی دور است و زبانی نرم و مهربانانه دارد.

۳۳- غائبا منکره حاضرا معروفه

کار ناپسند از او دیده نشود، بلکه خوبی های او زبانزد است.

۳۴- مقبلا خیره مدبرا شره

او به کارهای خیر و خوب روی آورد و از شر و بدی بپرهیزد.

۳۵- فی الزلازل وقور

در شدائد و سختی ها، بااستقامت و مقاوم است.

۳۶- و فی المکاره صبور و فی الرخاء شکور

در مشکلات، بردبار و در رفاه، سپاسگذار.

۳۷- لا یحیف علی من ینغض و لا یاثم فیمن یحب

بر آنکه خشم گیرد، زیاده روی نکند و دوستی با کسی، او را به گناه نیندازد.

۳۸- یعترف بالحق قبل ان یشهد علیه

(صفحه ۱۶)

پیش از آنکه «علیه» او شهادت دهند، به حق اعتراف می کند.

۳۹- لا

یضیع ما استحفظ

در امتداری سخت کوش است، سهل انگاری و بی تفاوتی روا نمی دارد که خیانت است.

۴۰- و لا ینسی ما ذکر

یاد خدا و تحصیل رضایت او، که همواره باید در دیدگاهش باشد، از یاد نمی برد.

۴۱- و لا ینابز باللقاب

دیگران را با لقب های زشت و ناروا نخواند.

۴۲- و لا یضار بالجار

به همسایه ضرر نزند.

۴۳- و لا یشمت بالمصائب

مصیبت زدگان را شماتت نکند.

۴۴- و لا یدخل فی الباطل و لا یخرج من الحق.

در امور لغو و باطل قدم نهند، و از چهارچوب حق هم خارج نشود.

۴۵- ان صمت لم یغمه صمته و ان ضحک لم یعل صوته

اگر از سخن لب فرو بندد، غمگین نشود که سکوت او مصلحت و مفید است و اگر چهره به خنده بگشاید به قهقهه نرسد.

۴۶- و ان بغی علیه صبر حتی یکون الله هو الذی ینتقم له

اگر بر او ستم کنید صبر و دفاع کند ولی انتقام نگیرد و مقابله ی بمثل نکند و آن را به خدا واگذارد.

۴۷- نفسه منه فی عناء و الناس منه فی راحه

خود را در راه خدا و بندگان او به رنج و تعب اندازد تا مردم از سوی او در راحتی و رفاه باشند.

(صفحه ۱۷)

۴۸- اتعب نفسه لآخرته و اراح الناس من نفسه

خود را به خاطر آخرتش در رنج نگه می دارد، تا دیگران در سایه امنیت و آسایش قرار گیرند.

۴۹- بعده عمن تباعد عنه زهد و نزاهه و دنوه ممن دنا منه لین و رحمه.

کناره گیری او از افراد، برای پاکی و پارسایی است، معاشرت او با دیگران نیز موجب رحمت و مهربانی خواهد بود.

۵۰- لیس تباعد بکبر و عظمه و لا دنوه بمکر و خدیعه.

دوری او از مردم بعلت کبر



و غرور نیست، همانطور که نزدیک شدن و ارتباط او از مکر و فریب سرچشمه نمی گیرد.

صفحه ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷.

---

## توضیحات

نظر خوانندگان محترم را به این نکته جلب می کند که چون کلام بلند و پرمحتوای امام عارفان و پیشوای پرهیزگاران در اوج علم و عرفان است، لذا جمله ها و کلمات آنحضرت، هر کدام کتابی بزرگ است که باید با راهنمایی اساتید و محققان به ابعاد گسترده آن رسید، بنابراین فهم دقیق تر بعضی از عبارات خطبه متقین، نیاز به توضیح و بیان ارتباط آنها با سایر معارف دارد که بدانها اشاره شده است، امید است مطالعه کنندگان محترم با دقت بیشتر به توضیحات توجه کرده تا مجموعه معارف و همه جوانب آن را دریافت کنند. عناوین توضیحات به شرح زیر است:

۱- فرهنگ رزق و روزی

۲- از دیدگاه مومن

(صفحه ۱۸)

۳- درباره بهشت و دوزخ

۴- تقوی و زندگی مادی

۵- مساله خودسازی

۶- تقوی و اخلاق

صفحه ۱۸.

فرهنگ رزق و روزی

تفاوت در روزی

---

## فرهنگ رزق و روزی

خداوند برای همه ی مخلوقات و بندگان خود اعم از مومن و کافر، انسان و حیوان روزی خاصی مقرر فرموده است:

و من عاش فعلیه رزقه (۱).

عیاله الخلق ضمن ارزاقهم (۲).

و لن یسبکک الی رزقک طالب (۳).

در واقع روزی هر کس معین و اندازه گیری شده و در دیوان الهی به ثبت رسیده است بطوریکه هیچ کس جز دست تقدیر الهی نمی تواند آن را کم یا زیاد کند و یا روزی کسی را ببرد.

ذکر این نکته لازم است که این تقدیر و تقسیم، منافاتی با کار و تلاش ندارد، بلکه وظیفه مردم است که خود را در راه تحصیل روزی تلاش کنند، زیرا خداوند خود دستور داده که بندگان در راه تامین زندگی فعالیت کنند و از کار و برنامه ریزی کوتاهی ننمایند.

(صفحه ۱۹)

قد تکفل لکم بالرزق و امرتم بالعمل (۴).

خداوند ضمانت روزی شما را کرده و شما

نهج البلاغه، خطبه ی ۱۰۹.

نهج البلاغه خطبه ی ۹۱.

نهج البلاغه قصار ۳۷۹.

نهج البلاغه خطبه ی ۱۱۴.

### تفاوت در روزی

نکته دیگر آنکه، تقسیم روزی یکسان نیست و خداوند بنابر مصالح بندگان و نظام زندگی انسان و اداره ی جهان روزی افراد را متفاوت مقرر فرموده است البته کسی از آن مطلع نیست و هیچکس نمی تواند بگوید که روزی چه کسی کم یا زیاد است و چه بسا که خود افراد در این زمینه دخیل باشند، زیرا روزی بر دو گونه است: یک نوع آن روزی قطعی است که در هر صورت و در هر شرایط نصیب انسان می گردد، ولی نوع دیگر آن بستگی به عوامل دیگر و منجمله تلاش و فکر و برنامه ریزی دارد، به این بیان که خداوند مقرر کرده است که انسان با فکر و تلاش و سایر عوامل به اوج قدرت مالی و اقتصادی برسد.

در هر صورت، تفاوت در روزی وجود دارد و اگر کمی روزی معلول عوامل اختیاری نباشد قطعاً مقدر آن فرد است و به صلاح و سعاد او خواهد بود و کسی نمی تواند آن را کم یا زیاد کند و یا روزی کسی را بخورد.

بنابراین، آنکه روزیش کم است باید فکر و تلاش کند و اگر به جایی نرسید نباید مایوس و ناامید شود، شاید دست تقدیر بیش از آن برای او رقم نزده است و بیشتر از آن باعث مشکلات و مصائب مادی و معنوی او خواهد بود. بنابراین فرد خداشناس و موحد از آنچه برای او مقدر شده راضی و خشنود بوده و امورات خود را بر اساس آن تنظیم می کند.

و من رضی برزق لله لم یحزن علی مافاتہ (۱).

(صفحه ۲۰)

انه یخبرهم بالاموال و الاولاد

لیتین الساخط لرزقه(۲).

پس باید برای تامین و تحصیل روزی تلاش کرد ولی این را هم باید دانست که هر تلاشی هم مثمرتر نخواهد بود و باعث زیادی روزی نخواهد شد.

لیس کل طالب بمرزوق(۳).

بعضی تصور می کنند، کسانی که روزیشان فراخ و ثروتشان زیاد است، حتما از راه خلاف و نامشروع به دست آورده اند، یعنی آدم باایمان ممکن نیست که ثروتمند و پرروزی باشد که البته این از نظر امام صحیح نیست و حتی دستورهایی داریم که باعث زیادی روزی می گردد:

۱- الزکاه تسبیباً للرزق(۴) - زکات دادن باعث و موجب روزی است.

۲- شارکوا الذی قد اقبل علیه الرزق(۵) - با آنکس که روزیش فراخ است شریک شوید.

۳- استنزولوا الرزق بالصدقه(۶) - روزی را با صدقه بدست آورید.

۴- و قد جعل الله سبحانه الاستغفار سبباً لدرور الرزق(۷) - خدای سبحان استغفار را سبب زیادی روزی قرا داده است.

نکته مهم دیگر آنکه، بدست آوردن منال حرام و تحصیل ثروت از راه های نامشروع جزء رزق و روزی نیست و کسانی که دست به مال حرام می زنند و از آن پروا ندارند، بدانند که روزی حلال الهی را از دست داده و به جای آن مال حرام می خورند.

(صفحه ۲۱)

صفحه ۲۰، ۲۱.

---

نهج البلاغه قصار ۳۴۹.

نهج البلاغه، قصار ۹۳.

نهج البلاغه، نامه ۳۱.

نهج البلاغه، نامه ۳۱.

نهج البلاغه، نامه ۳۱.

نهج البلاغه، نامه ۳۱.

نهج البلاغه.

## ابعاد تقوی در نهج البلاغه

(صفحه ۲۳)

موضوع بحث ما «ابعاد تقوی در نهج البلاغه» (۱) است. مساله تقوی یکی از واژه هایی است که تقریباً بیش از کلمه های دیگر در نهج البلاغه به کار رفته است. اگر نهج البلاغه را به ده قسمت تقسیم کنیم، حداقل یک قسمت آن درباره ی تقوی، مفهوم تقوی، اوصاف تقوی و صفات متقین بحث شده است، که در این مقاله به بخش کوتاهی از

آن می پردازیم.

آنچه از شنیدن کلمه تقوی در برخورد اول به نظر می آید و یا لاقلاً بعضی به نظرشان می آید، انزوا و گوشه گیری و ترک دنیا و بریدن از فعالیت های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است. البته در تداعی این مفهوم، فرهنگ استعماری و طاغوتی نقش بسزا داشته و احیاناً اسلام ناشناسان نادان نیز به این انحراف فکری دامن زده اند و برای اینکه روح حرکت و عیان علیه طاغوتها در جوامع اسلامی را بکشند، مفاهیم و عبارات سازنده و حرکت آفرین را تحریف کرده و به گونه ای ناصحیح معرفی می کردند. در حالیکه وقتی به متون اصیل اسلام و منجمله نهج البلاغه باز می گردیم، می بینیم که سرشار از مفاهیم زنده و سازنده است و در همه ی ابعاد زندگی مردم، نقش آفرین است و می تواند آنها را بسازد. موضوع تقوی نیز از این قبیل است.

اینک در چند قسمت به بررسی ابعاد تقوی می پردازیم تا گسترش این مفهوم و اثر عملی آن را در جامعه، سیاست و اجتماع ببینیم. در مقدمه قسمتی از نهج البلاغه، امیرالمومنین علی (ع) در موقعیت خاصی از تقوی سخن به

(صفحه ۲۴)

میان آورده است که خود، نکته مهمی است. درست برخلاف تصور آنها که مفاهیم اسلامی را جدا از یکدیگر مطالعه می کنند و مخصوصاً مساله تقوی را مثلاً از سیاست و جنگ جدا می دانند، در اینجا می بینیم امیرالمومنین چه کسانی را در چه موقعیتی وصیت به تقوی می کند، آیا احیاناً آن دسته از اصحاب و افرادی را که در گوشه ی مسجد و جدا از امر سیاست و سایر شوون جامعه بودند، سفارش به تقوی می کند یا خیر؟ این امر نشان دهنده ی وجود یک رابطه ی ارگانیک بین همه مفاهیم اسلامی است و تقوی، جنگ،

اقتصاد و اخلاق و مانند آنها حلقه های زنجیری هستند که در مجموع، یک جامعه ی ایده آل انسانی را می سازند. در این خطبه می خوانیم:

و لعمری ما علی من قتال من خالف الحق و خابط الغی من ادهان و لا ایهان فاتقوا الله عباد الله و فروا الی الله من الله. (۲).

امام (ع) در جبهه جنگ داخلی علیه منافقین، و نیز در مبارزه و نبرد با دشمنان خارجی می فرماید:

به جان خود سوگند، در نبرد با مخالفین حق و کسانی که راه باطل و انحراف را می روند و نصیحت و ارشاد در آنان موثر نمی افتد و آهن سرد وجودشان را نرم نمی کند، و با آنهایی که علیه حکومت اسلامی تصمیم به مبارزه گرفته اند و مبارزه مسلحانه و قهرآمیز را برنامه ی خویش قرار داده اند، هیچ گونه مسامحه و سستی نشان نمی دهم.

ملاحظه کنید که امام در چنین موقعیت حساسی، خطاب به مسلمانان می فرماید: رسالتی که به دوش شما رزمندگان گذارده شده، تقوا و پرهیزگاری است، که مفهوم تقوی را خود امام علیه السلام در سخنانش بیان می فرماید:

(صفحه ۲۵)

منظور از این مقدمه، آن است که تا آنجا که میسر است مفهوم تقوی را روشن کنیم و خاطر نشان سازیم که امام، تقوی را در میدان جنگ و هنگام رویارویی با دشمن داخلی و خارجی مطرح می کند، از این میان رابطه ی تقوی با زنده ترین و حساس ترین مسائل سیاسی و اجتماعی در این موقعیت خاص، بخوبی معلوم می شود.

بخش دیگر از سخن ما، بررسی تقوی از نظر فعل خارجی و خصلت و خوی انسانی است. در اینجا سوال این است که آیا تقوی، تنها ترگ گناه است، یعنی فقط به عنوان یک عمل خارجی مورد مطالعه قرار می گیرد،

یا یک مشخصه ی روحی است و اعمال خیر، نشأت گرفته از آن حالت متعالی روحی است؟ امام (ع) می فرماید: تقوی یک خصلت روحی و یک تربیت معنوی است که در پرتو آن، جان انسان، ساخته و پرداخته می شود و او نه تنها در برابر گناه و معصیت، حالت ترک و نفی به خود می گیرد، بلکه آزرده خاطر هم می شود و از اطاعت و پاکی و عمل خیر، احساس رضایت و آرامش خاطر می کند. شخص متقی کسی است که در اثر یک سلسله برنامه ها، روح خود را آنچنان بسازد که در برابر گناه مصونیت بیابد و روحا از مخالفت با احکام الهی متنفر و منزجر باشد و ندای پرهیز و اجتناب از گناه، از درون او فریاد کند و به تعبیر دیگر، تقوی، روح او را چنان عالی و لطیف بگرداند که از تصور گناه نیز رنج برد و گریزان باشد. لذا امام علیه السلام تقوی را به خانه ای تشبیه کرده است که انسان را از هر خطری حفظ می کند، یعنی همانگونه که وقتی انسان به خانه ای وارد شود، از دشمن در امان است و با خیال راحت در آن محل امن زندگی می کند، تقوی نیز حصار محکم نگهدارنده ای است که اگر در وجود کسی پیدا بشود، دیگر از خطر انحراف و مفاسد اخلاقی در امان است.

اعلموا عباد الله ان التقوی دار حصن عزیز، و الفجور دار حصن

(صفحه ۲۶)

ذلیل. (۳).

ای بندگان خدا! بدانید که تقوی، خانه محکم و امنی است که از نظر حفاظت کاملاً حساب شده است، کسی که در این خانه زندگی کند از هیچ دشمنی نگرانی ندارد. خانه ی تقوی انسان را از شر نفس اماره و کلیه ی



اغواگران انسی و جنی حفظ می کنند، در مقابل تقوی، فجور است، یعنی کسی که آن حالت دفاعی روحی را در خود ایجاد نکرده و در خانه دل را به روی اغیار باز گذارده باشد و هر کس و ناکسی را به درون آن راه بدهد، بدیهی است که چه بر سر او می آید و چه نشانی از انسانیت و پاکی در او باقی خواهد ماند!

باز در خطبه ی دیگر، از تقوی به عنوان کلید رمز نام برده شده است، یعنی شما اگر بخواهید وارد خانه ای بشوید که در آهنی داشته باشد، هر چه تلاش کنید، آن در به رویتان باز نمی شود، اما با یک کلید کوچک به راحتی قفل های قوی و رمزدار باز می گردد. تقوی چنین است. انسانی که در جستجوی سعادت و کمال است و راه مستقیم هدایت را می جوید، باید از راه تقوی وارد شود:

فان تقوی الله مفتاح سداد و ذخیره معاد و عتق من کل ملکه و نجاه من کل هلكه (۴).

عنایت روی شمول و گسترش مفهوم تقوی است. یعنی کسی که این جنبه ی دفاعی را در روح و جان خود بوجود آورد، نسبت به همه ی انحراف ها و لغزش ها مصونیت پیدا می کند، چون حالت دفاعی کلی الهی، بر جان او حکمفرما شده، همه ی منفذها و کانال های ارتباطی به دست محافظین نیرومند معنوی قرار خواهد گرفت. تقوی کلید هدایت، ذخیره ی معاد و وسیله ی آزادی انسان از هر بندگی است، کسی که دارای تقوی است در برابر شهوات به زانو در نمی آید، در

(صفحه ۲۷)

برابر مقام و دیگر تمایلات نفسانی، تسلیم نمی شود، از هر هلاکتی در امان است، این بخش دوم از ابعاد تقوی.

نکته ی دیگری که در اینجا باید

اضافه شود، این است که مساله تقوی با تفکر و جهان بینی صحیح، معنی تمام و کامل خود را پیدا می کند. اینطور نیست که انسان بتواند در پرتو تنهایک سلسله اعما بریده از تفکر و جهان بینی صحیح، دارای آن پوشش دفاعی معنوی (تقوی) باشد، بلکه افراد متقی در مرحله ی نخست، تفکر صحیح و جهان بینی عمیقی دارند که پوشش دفاعی معین را برای آنان بوجود می آورد.

در خطبه ی «همام» می خوانیم:

عظم الخالق فی انفسهم، فصغر ما دونه فی اعینهم (۵).

این خطبه که درباره ی صفات متقین است، نشان می دهد که یکی از ریشه های تقوی، این اصل است که: «آفریدگار در دیده ی آنان عظیم است». چه کسی می تواند در برابر امواج خروشان شهوت و غضب و حب جاه، مانند کوه بایستد؟ روشن است، کسی که به عظمتی متصل و مربوط باشد، که دل را مطمئن گرداند، در غیر اینصورت، نمی تواند مقاومت کند. چه کسی می تواند در برابر هزاران تمنا و هوس دلفریب، دینش را نبازد؟ آن کسی که به عظمت الهی متصل باشد. مصداق اتم آن در زمان معاصر امام بزرگوارمان بود. ایشان وقتی رئیس جمهوری معزول و فراری را نصیحت می کردند، گفتند: آقای فلانی، ریاست جمهوری چیزی نیست!!؟ مثل پدری که فرزندش را نصیحت می کند و او را از خاک بازی باز می دارد. چه کسی می تواند اینگونه قاطع حرف بزند؟ کسی که بستگی به عظمت خدا داشته و عظمت الهی، وجودش را پر کرده

(صفحه ۲۸)

باشد، در غیر اینصورت، انسان سقوط خواهد کرد. فرد باتقوی، این عظمت را می بیند و بدان متصل می گردد و چون نور این عظمت را والاتر و روحبخش تر از هر نوری است می بیند، نورهای ضعیف در مقابل او ارزش و بهای خود

را از دست می دهند، همانطور که یک شمع در برابر خورشید چیزی به حساب نمی آید.

باز در خطبه دیگر می فرماید:

فاتقوا الله الذی انتم بعینه و نواصیکم بیده و تقلبکم فی قبضته. (۶).

ببینید امیرالمومنین علی علیه السلام، انسان را به کجا می برد و چگونه او را تربیت می کند و چه دیدگاه های عظیم و وسیعی را به او نشان می دهد:

تقوی پیشه کنید و از خدا پروا کنید، آن خدایی که شما زیر نظر او و در پرتو عنایت او زنده هستید و موی پیشانی و مرکز حرکت شما به دست اوست.

بنابر سخن دیگر آن حضرت در دعای کمیل:

و لا یمكن الفرار من حکومتك.

کجا می روید که زیر پوشش عنایت ازلی نباشید؟ آیا ممکن است انسان از حکومت و حاکمیت خدا فرار کند؟ گردش و حرکت شما در قبضه ی قدرت و اراده ی اوست.

امام با این دیدگاه وسیع، انسان را متصل به ابدیت و قدرت بی نهایت خدا می کند و می فرماید: ای انسان تو وابسته به خدا هستی. به کوچکی و ضعف خود نگاه مکن و از کوه مشکلات و انبوه دشمنان و فراوانی امکانات مخالفین نهراس، چرا؟ چون هر کس تقوی پیشه کند، بمانند آن نهر کوچکی است که به دریا متصل شده و دریا می شود. ای مردم باتقوی، هنگامی که همه ی

(صفحه ۲۹)

دریچه های مادی به سوی شما بسته شده و همه دشمنان با هم علیه شما متحد شده اند، خداوند راه نجات و خروج برایتان قرار می دهد و در هنگامه ی تاریکی ها برای شما نور می آفریند.

واعلموا انه من یتق الله یجعل له مخرجا من الفتن و نورا من الظلم (۷).

این نور از کجاست؟ این ارشادات و اشراقات الهی است که بر این مردم می تابد و آنها از میان

این کوره راه ها و معضلات، راه مستقیم را پیدا می کنند.

صفحه ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹.

بعد اجتماعی و سیاسی تقوا

---

خلاصه سخنرانی حجه الاسلام والمسلمین سید جمال الدین دین پرور در دومین کنگره بین المللی نهج البلاغه - تهران.

نهج البلاغه خطبه ۲۴.

نهج البلاغه خطبه ۱۵۶.

نهج البلاغه خطبه ۲۲۱.

نهج البلاغه خطبه ی ۱۸۴.

نهج البلاغه خطبه ۱۸۴.

نهج البلاغه خطبه ۱۸۲.

### بعد اجتماعی و سیاسی تقوا

بخش دوم، بعد اجتماعی و سیاسی تقوا و در واقع پذیرفتن مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی است که از تقوی برمی خیزد و فرد متقی در حالیکه در اوج تقوی و در اوج خودسازی است، باید در اوج فعالیتهای سیاسی و اجتماعی باشد. آنها که به بهانه ی تقوی و زهد از جامعه کنار می کشند و در فعالیتهای عمومی شرکت نمی کنند، باید جواب امام امیرالمومنین (ع) را بدهند.

باز در خطبه ی همام که از تقوی و متقین سخن می گوید و نشانه های آنها را بر می شمارد، می فرماید:

فمن علامه احدهم انک تری له قوه فی دین و حزمه فی لین و ایماناً فی یقین و حرصاً فی علم و علماً فی حلم و صبراً فی شده. (۱).

فرد باتقوا کسی است که علاوه بر جنبه های عبادی و شب زنده داریها و خودسازیها، نیرومندی در دین و صبر در شدائد دارد. آیا کسی که کنج عزلت گزیده و در گوشه ای به عبادت نشسته و دور از سیاست به مطالعه پرداخته، شدتی برای او هست و صبری لازم دارد؟ هرگز، ابرقدرتها و توطئه گران با

کسانی که تنها مطالعه می کنند کاری ندارند: شما ده سال در گوشه ی کتابخانه ای در یک زمینه ی علمی تحقیق کنید، هیچکس با شما کاری ندارد اما اگر بخواهید نتیجه ی این تحقیق را در جامعه پیاده کنید، آن وقت، مشکلات، خود را نشان می دهند و باید با سرپنجه ی صبر و

تدبیر آن را به پیش برید.

فرد باتقوی از زیر بار مسئولیتها و کارهای حساس، شانه خالی نمیکند، او مشتاقانه می پذیرد و سختیها و مشکلاتش را هموار میکند. شما ببینید اسوه و نمونه کامل عصر خودمان، امام امت را که در سن هشتاد و چند سالگی، چگونه مملکت، بلکه دنیا را زیر نظر دارد و برنامه می دهد و دنبال میکند و با همه ی سختیها و فشارها، ذره ای یاس و ضعف به خود راه نمی دهد. این نمونه ی فرد باتقوی است، پس هر کس تقوایش بیشتر است، باید در برابر مشکلات اجتماعی، صبورتر باشد: «فی الزلازل و قور»، در سختی ها و مشکلات جانکاه، چون کوه استوار است و با استقامتی که از پایگاه تقوی الهام می گیرد، بر مشکلات پیروز می گردد.

مگر امام و ملت نمی دانستند که این انقلاب بنیادین به سادگی به هدف نمی رسد؟ بنابراین با توجه به عظمت هدف، کوه توطئه ها و دشمنی ها را هم می دیدند.

امام بزرگوار در همان سال ۴۲ که در مسجد اعظم قم سخنرانی فرمود، درست به خاطر دارم و طنین صدای او در گوشم هست که می فرمود:

اگر این انقلاب، صد هزار کشته هم بدهد، جا دارد تا از اسلام دفاع شود.

قسمت دیگر بحثم در رابطه با عبادت و تقوی است. فرد باتقوی، علاوه بر مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی و ابعاد مختلفی که بدان اشاره شد، بعد مهم دیگری را نیز دارد و آن حالت نیایش و عرفانی است که او را به ملکوت اعلی می برد و احساس محبت الهی را به او می دهد. بعد خاص انسان، بعد

(صفحه ۳۱)

عبادی او است. فرد باتقوی، علاوه بر خودسازی و ترک گناه، یک جنبه دیگری باید داشته باشد که راز و

نیاز با خداست. جمله ای از استاد شهید «آیت الله مطهری» نقل می کنم. ایشان در جلسه تفسیر قرآن می فرمود که مسلمان واقعی، بدون عبادت و نیایش، مخصوصاً شب زنده داری و نماز شب، تحقق نمی یابد. اگر مسلمان، چند دقیقه پیش از اذان صبح از خواب برنخیزد و با خدا راز و نیاز نکند و نماز شب نخواند و از خوب و خشیت الهی، اشک بر گونه هایش جاری نشود، او نمی تواند یک مسلمان کامل باشد. این حالت عبادی و عرفانی به اندازه ای ضرورت دارد که جا داشت از واجبات باشد، اما خداوند برای اینکه تکلیفی شاق بر امت اضافه نشود و آنها به زحمت نیفتند، واجب نکرد، به تعبیر علمی، اقتضای وجود دارد ولی مانعی هم در کار بود. فرد باتقوی در کنار کلیه ی مسئولیتها اعم از اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، باید بیداری شب و راز و نیاز با خدا را فراموش نکند.

امام (ع) در همان خطبه همام می فرماید:

اما الليل فصافون اقدامهم تالین لاجزاء القرآن... (۲).

پروا پیشگان هنگامیکه شب فرا می رسد آماده عبادت و ورود به دریای نور و جهان وجد و سرور معنوی می گردند. مگر می شود فرد باتقوی در خواب فرو رود و از حضور در محضر محبوب، بهانه آورد؟ مگر می شود عاشق شیدای دلخسته خوابش ببرد و از وصل معشوق غفلت کند؟ آری، متقین، شب را در برابر خدا به نماز می ایستند، قرآن را باز می کنند، آیات نورانی قرآن را با عشق و شور می خوانند، گویا همه ی وجودشان، آیات خدا را زمزمه می کند و از هر سلولی، ندای انا العبد به گوش اهل دل می رسد.

(صفحه ۳۲)

فاذا مروا بآیه فیها تشویق رکنوا الیها طمعا. (۳).

وقتی آیات تشویق را می خوانند یا می شنوند گویا

دارند حقایق و وعده های الهی را می بینند و آنگاه که به آیه عذاب می رسند، گوش های دلشان باز می شود:

اصغوا اليها مسامع قلوبهم

نمی گویند آن حضرت خوب گفته است، نه، این حقایق و علوم را با جانشان لمس می کنند، گویا دارند این عذابها را می بینند و احساس می کنند. اینقدر برایشان یقینی شده است:

فهم حانون علی اوساطهم مفترشون لجباههم و اکفهم و رکبهم و اطراف اقدامهم يطلبون الی الله تعالی فی فکاف رقابهم(۴).

ببینید چگونه دارند راز و نیاز می کنند، این افراد باتقوی قامتشان را خم می کنند، چهره های خود را بر خاک می ساینند و دستها و زانوهای خود را در برابر خدا بر خاک می گذارند. از خدا چه می خواهند؟ از خدا می خواهند که جانهایشان را آزاد کند. این را علی (ع) می گوید، همان علی (ع) که در نخلستانهای کوفه هنوز صدای گریه و مناجاتش به گوش هوش می رسد، هنوز شهر کوفه آن صدای ملکوتی را چون زنگ در گوش دارد.

پایان

صفحه ۳۰، ۳۱، ۳۲.

---

نهج البلاغه، خطبه ی ۱۸۴.

نهج البلاغه خطبه ۱۸۴.

نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴.

نهج البلاغه خطبه ۱۸۴.



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱. JAVA

۲. ANDROID

۳. EPUB

۴. CHM

۵. PDF

۶. HTML

۷. CHM

۸. GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱. ANDROID

۲. IOS

۳. WINDOWS PHONE

۴. WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتاهای خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



اصفهان

# خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**www.Ghaemiyeh.com**

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹